



ساعت برگزاری: ۱۰ صبح / نوبت: ۱۴ / مدت آزمون: ۶۰ دقیقه

## امتحانات متمرکز تکمیلی نیمسال دوم ۹۸-۱۳۹۷

رشته مطالعات زبان مرع ۹۶

مهر مدرسه

شماره یا نام مصحح اول	نمبره عدد	نمبره حرف
شماره یا نام مصحح دوم	نمبره عدد	نمبره حرف

کد امتحان :	۳۹۷۲/۱۵
تاریخ آزمون :	۱۳۹۸/۰۴/۰۲
عنوان:	اصول فقه ۴
کتاب:	حلقه نالنه - جزء اول
محدوده:	دروس ۵۸ و ۵۹ ، دروس ۶۱ تا ۶۳ ، درس ۶۵ ، دروس ۷۲ تا ۷۴ ، دروس ۷۷ تا ۸۲

نام و نام خانوادگی: ..... نام پدر: ..... کد طلکبکی: ..... مدرسه علیه: ..... شهرستان: ..... استان: .....

۰/۵

### ۱- وظیفه کلی در هنگام «تزامم» چیست؟ ص ۳۱۴

الف. تقدیم الاهم ملاکاً

ب. التخییر الشرعی

ج. رجوع الی الاصول

د. تقدیم الواجب علی الحرام

۰/۵

### ۲- چرا «مقدمه علمیه»، وجوب غیرى ندارد؟ ص ۳۶۸

الف. لانها تتصف بالوجوب النفسى الضمنى

ب. لانها لا یوجد الواجب النفسى الا بها

ج. لانها لا یتوقف علیها نفس الواجب

د. لانها متعلقة للامر ولو ضمناً

۰/۵

### ۳- با توجه به قاعده «الاضطرار بسوء الاختیار لا ینافى الاختیار عقاباً و ینافیه خطاباً» آیا می توان تعارض بین دو دلیل «صل» و «لا تغصب» را هنگام خروج از مکان غصبی که مکلف به اختیار داخل آن شده است، مرتفع نمود؟ ص ۳۸۹

الف. لا - لان العقاب و الادانة ثابت علی کل حال

ب. نعم - لان الامر و النهى غیر متعاصرین زماناً

ج. نعم - لان خطاب النهى ساقط بملاحظة القاعدة

د. لا - لان التنافى بلحاظ المبادئ ثابت علی کل حال

۰/۵

### ۴- با توجه به استحاله انفکاک حجیت از قطع، چگونه برخی امکان «عدم حجیت دلیل عقلی قطعی» را توجیه کرده اند؟ ص ۴۱۴

الف. نقصان العقل فی فهم ملاکات الاحکام

ب. وجود النص فی الروایات علی عدم الحجیة

ج. التعارض بین الدلیل الشرعی و العقلی

د. تحویل القطع من الطریقى الی الموضوعی

۲

### ۵- طبق تقسیم بندی شهید صدر<sup>(ه)</sup> انواع قضایای عقلی را که در علم اصول بحث می شوند را به همراه مثال تبیین کنید.

ص ۲۹۷-۲۹۵

جواب: قضایای فعلیه و شرطیه و قضایای فعلیه یا تحلیلیه هستند و بحث از تفسیر ظاهری از ظواهر است مانند: بحث از «حقیقت وجوب تخیری» یا ترکیبیه هستند و از استحاله امری بعد از تصور و تعریف آن بحث می شود مانند: «استحاله تکلیف عاجز» این قضایا جزء ادله عقلیه مستقل قرار می گیرند و قضایای شرطیه یا شرط مقدمه شرعی است که می شود دلیل عقلی غیر مستقل مانند: «اذا وجبت شیء وجب مقدمته» یا شرط مقدمه غیر شرعی است که می شود دلیل عقلی مستقل مانند: «اذا قبح فعل حرم»

۲

### ۶- دلیل شهید صدر<sup>(ه)</sup> بر امکان «ترتب» را به همراه سه مقدمه آن به اختصار بنویسید. ص ۳۱۰-۳۰۹

جواب: نکته اول: امر بین ضدین به لحاظ مبادی و جعل متضاد نیستند و تنافی و تزامم آنها به لحاظ عالم امتثال است. نکته دوم: اگر وجوب یکی از دو ضد، مقید به عدم امتثال تکلیف به ضد دیگر (یا بنای عصیان آن) باشد وجوب مشروط است و محال است این وجوب مشروط در فاعلیت و محرکیتش منافی [تکلیف] ضد دیگر باشد زیرا عدم امتثال، قید وجوب است و قید وجوب، مقدمه وجوب است و وجوب، داعی و محرک نسبت به آن (قید وجوب) نیست. نکته

سوم: تکلیف به ضد دیگر یا مانند ضد اول مشروط به عدم امتثال ضد است که در این صورت مانند بیان سابق ممتنع است منافی محرکیت و امتثال ضد اول باشد و یا مطلق است در این صورت اگر چه می توان عدم امتثال وجوب مشروط ضد اول را به آن مستند نمود و لکن این استناد به معنای این است که امتثال واجب مطلق توسط مکلف مساوی است با نفی شرط واجب مشروط و در نتیجه نفی فعلیت واجب مشروط و نه اینکه واجب مشروط فعلیت داشته باشد و این واجب مطلق مانع امتثال آن باشد، طبق این برهان امر به ضدین به نحوی که حداقل یکی از آن دو مشروط به عدم امتثال دیگری باشد، محال نیست و تنافی بین آن دو نیست. (رساندن مفهوم کفایت می کند)

۷- عبارت: «أنه في مورد المقدمة الشرعية الوجودية قد تعلق الامر بالمقيّد و المقيّد عبارة عن ذات المقيّد و التقيّد و انّ المقدمة المذكورة مقدمة عقلية للتقيّد، بينما نجد انّ المقدمة العقلية الوجودية هي مقدمة لذات الفعل» را به همراه مثال تبیین نمایید.

ص ۳۲۸

۲

جواب: در برخی موارد مقدمه وجودیه شرعیه، امر به مقيّد تعلق می گیرد و مقيّد در تحلیل مرکب از ذات مقيّد و تقيّد است، مثلاً امر شده است به نماز با وضوء، یعنی امر به ذات مقيّد (نماز) و امر به تقيّد (تقيّد به وضوء) و خود وضوء مقدمه برای «تقيّد به وضوء» است که شهید صدر (ره) این مقدمه که «وضوء» است را مقدمه عقلیه برای تقيّد می دانند، زیرا عقلاً و تکویناً «تقيّد» متوقف بر «قید» است. (البته وضوء به عنوان مقدمه شرعیه برای واجب ذات مقيّد و تقيّد) لحاظ می شود زیرا مقدمه ای است که امتثال امر شرعی متوقف بر آن است و شارع آن را قید واجب اخذ کرده است (۱/۵ نمره) در مقابل مقدمه عقلیه، مقدمه برای ذات فعل است زیرا مفروض عدم طلب تقيّد به قید، در امر به واجب است. (۰/۵ نمره)

۸- با توجه به عبارت «انّ امتثال الواجب الغیری لا يستتبع ثواباً و لکن ثبوت ترتب الثواب علی جملة منها کما دلت علیه

الروایات تنافی ذلک» اشکال مطرح و جواب آن را بنویسید. ص ۳۷۳-۳۷۲

۲

جواب: اشکال وجوب غیری ثواب به دنبال نمی آورد و امتثال آن ثواب ندارد ولی بعضی از مقدمات از روایات فهمیده شده است که بر امتثال آنها ثواب مترتب می شود. جواب: امتثال وجوب غیری از این جهت که امتثال وجوب غیری است ثواب ندارد و لکن مانعی ندارد که ثواب بر مقدمه مترتب شود و از این جهت که شروع در امتثال وجوب نفسی است و این در جایی است که قصد کرده که با واجب غیری به واجب نفسی برسد و روایات این قسم را می گوید.

۹- عبارت «انّ الاحکام انما تتعلق بالعاوین لا بالوجود الخارجی فتعدد العنوان یکفی فی دفع التنافی. فان قيل: انّ العناوین فی الذهن انما يعرض لها الامر بما هي مرآة للخارج، و هذا یعنی استقرار الحکم فی النهایة علی الوجود الخارجی بتوسط العنوان کان

الجواب...» را در بحث «اجتماع امر و نهی» تبیین کرده، اشکال مطرح را پاسخ دهید. ص ۳۸۷

۲

جواب: برخی در بحث اجتماع امر و نهی قائل به عدم استحاله هستند به این شکل که تعدد عنوان برای دفع تنافی کفایت می کند زیرا احکام به وجود خارجی تعلق نگرفته بلکه به صورت ذهنی و عنوان تعلق گرفته و چون عناوین متعدد هستند، تنافی نیست (۰/۵ نمره) بر این استدلال اشکال کرده اند که: امر و نهی اگر چه به عناوین تعلق می گیرند اما عناوین بما هو حاکی از خارج متعلق حکم هستند، و این در حقیقت یعنی حکم حقیقه به وجود خارجی سرایت می کند در نتیجه تنافی باقی است. (۰/۵ نمره) شهید صدر (ره) پاسخ می دهد به این نحو که تعلق امر و نهی به عناوین به ما هو حاکی از خارج، به این معنا نیست که حکم حقیقه به وجود خارجی سرایت می کند بلکه فقط به این معنا است که عنوان بما هو غصب و صلاة لحاظ شده نه بما هو صورت ذهنی. (۱ نمره)

۱۰- تفسیر حسن و قبح به حکم عقلاء را تبیین کرده، دو دلیل شهید صدر (ره) بر عدم قبول آن را بنویسید. ص ۴۱۰

۲

جواب: عقلاء به دلیل مصالح و مفاسد برای نوع بشر، برخی از افعال را حسن و برخی دیگر را قبیح نامیده اند و به تعبیر دیگر حسن و قبح را برای افعال اعتبار کرده اند و از تشریحات عقلائی دیگر به دلیل اتفاق و اجماع عقلاء بر حسن و قبحشان متمایز می شوند [زیرا مصالح و مفاسدشان واضح است]. شهید صدر (ره) جعل عقلائی حسن و قبح را نمی پذیرد زیرا اولاً این تفسیر وجداناً نادرست است زیرا هر شخصی بدون در نظر گرفتن جعل عقلاء قائل به قبح ظلم است و ثانیاً این تفسیر با توجه به تجربه نادرست است و عقلاء همیشه طبق مصالح و مفاسد حکم به حسن و قبح نمی کنند مثلاً کشتن یک انسان به منظور برداشتن دارویی از بدنش و نجات جان دو نفر مصلحت بیشتری از نکشتن شخص دارد ولی عقلاء این عمل را ظلم و قبیح می شمارند.

«سامانه پیام کوتاه ۰۵۰۰۱۷۱۷۱۴۴۴۱ معاونت آموزش آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات پیرامون سؤالات امتحانی می باشد.»

«در صورت ارسال پیام کوتاه، ذکر کد امتحان و شماره سؤال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و جوابگویی ضروری می باشد.»